

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1394/02/01



موضوع: مسئله اول در ضمن مطهر پنجم

مسئله اول در ضمن بیان مطهر پنجم، سید طباطبایی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «العنب أو التمر المتنجس اذا صار خلاً لم يطهر و کذا اذا صار خمرًا ثم انقلب خلاً». می فرماید: از فروع مطهریت انقلاب که گفته شد انقلاب از مطهرات است اگر عنب و تمر و خرما متنجس که قبلاً نجس بوده است به وسیله نجاست دیگر غیر از نجاست خمر اگر منقلب بشود پاک نمی شود. دلیل این مطلب را در ضمن فرع بعدی که نجاست خارجی را بحث می کردیم، بحث شد. که آنچه از ظاهر بیان سید طباطبایی استفاده می شود این است که مطهری که درباره انقلاب داریم اختصاص دارد به انقلاب خمر به خلّ. خود خمر اگر خلّ بشود دلیل بر تطهیر وجود دارد و اگر خود خمر تبدیل شده باشد مضافاً بر آن نجاست از خارج هم با خود داشته باشد، با تبدیل و انقلاب تطهیر به عمل نمی آید

کلام سید الحکیم

چنانکه سید الحکیم قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: دلیل بر تطهیر نداریم و استصحاب نجاست جاری است.^[1] «و کذا اذا صار خمرًا ثم انقلب خلاً» اگر عنب و تمر خمر بشود یعنی اول متنجس شده آنگاه خمر شده و پس از آن انقلاب حاصل شد خلّ بشود، حکم به طهارت مشکل است با همان شرحی که دادیم که ادله و نصوص انصراف دارد

کلام صاحب جواهر

و در این رابطه صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: چون حکم خلاف قاعده است باید به قدر متیقن اکتفاء کرد که این یک قاعده کلی است برای ما. اینجا حکم به تطهیر یک حکم امتنایی شرعی است که خل بعد از خمر که حرمتش از بین می رود، که حرمت مربوط به اسکار بود مثلاً، اما نجاستش چرا؟ این خلاف قاعده است. چون قاعده تنجیس و

استصحاب می گوید باید نجس باشد، چون حکم بر خلاف قاعده است باید به قدر متیقن اکتفاء بشود. قدر متیقن خود خمر بدون اینکه نجاست دیگری را از خارج حمل نکند. اگر نجاست دیگری از خارج حمل کرده بود دلیل بر طهارت نداریم، استصحاب نجاست هم جاری است.^[2]

کلام سید الخویی

اما در این مسئله شبیه آن مسئله ای که دیروز گفتیم رأی و نظر سیدنا الاستاد این است که به وسیله انقلاب خمر متنجس به نجاست دیگر تطهیر می آورد هرچند خمر قبلاً با نجاست دیگر آلوده شده باشد. چون که اشتداد در نجاست معنی و مفهومی ندارد و آن نجاست در این نجاست در حقیقت مندک است، نجاست خمر که از بین رفت نجاستی وجود ندارد.

تحقیق

اما تحقیق این است که ما در اشتداد در نجاست هرچند مطلب درستی است نجاست قابل تشدید نیست ولی اگر از لحاظ حکم در یک حدّ باشد اما ما دیده ایم که اگر نجاست دیگر از لحاظ حکم با نجاست قبلی فرق داشته باشد فقهاً تنجیس دوم حکم خودش را دارد. مثلاً شیء ای متنجس است به دم که تطهیر یک بار کافی است، این خون که روی لباس افتاده روی همان خون یک قطره بول قرار بگیرد، طبیعتاً حکم تطهیر بول که نیاز به تطهیر مرتین دارد، اعلام خواهد شد. بنابراین اشتداد اگر از یک جنس باشد معنی و مفهومی ندارد. بین نجاست خون و بین نجاست بول در کمیت فرق نمی کند، بیشتر از یک درهم باشد دیگر فرق نمی کند دو درهم یا سه درهم، بول هم یک قطره باشد یا قطرات، این اشتداد ندارد. اما اگر نجاست حکماً شدیدتر از نجاست دیگر باشد، قطعاً قابل اشتداد است و باید حکمش رعایت بشود. بنابراین عدم اشتداد به قول مطلق قابل التزام نیست، بنابراین اگر خمر متنجس شده باشد به نجاست بول که حکمش باقی است و اگر به نجاست دیگر هم متنجس شده باشد مقتضای جمود در روایات و بنابر رأی صاحب عروه الوثقی و سید الحکیم و صاحب جواهر باید احتیاطاً لزوماً حکم به نجاست اعلام شود. آنچه که در متن است درست است.

سوال:

پاسخ: سوال این است که ما خمر داخلی داریم و خمر خارجی. خمر داخلی از عنب و تمر اینهاست و خمر خارجی ممکن است از گراز و خوک و اینها اجزاء و جزئیاتی گرفته می شود بعد خمر می شود که نجس العین است. طبق قاعده انقلاب باید مطهر باشد. اگر خمر از عین نجس گرفته شد که خمری جات از موادی گرفته می شود که قند در آن باشد. چیزی که قند ندارد خمر از آن گرفته نمی شود این آزمایش علمی و تحقیقی است. اما می گویند واقعیت دارد و فکر می کنم آن یک ماده مسکری باشد از باب دیگر جزء یک مسکرات خاص دیگری است، نه جزء این مسکراتی که خمریه باشد.

مسئله دوم و نصوص متعارض

مسئله دوم: «اذا صبّ فی الخمر ما یزیل سکره لم یطهر و بقی علی حرمته»، اگر در خمری

چیزی ریخته شود که باعث ازاله سکر آن بشود «لم یطهر و بقى على حرمة». مثلاً ما گفتیم ملاک حرمت اسکار است بعد از این یک درمانی و یک علاجی پیدا شد که ما داخل خمر ریختیم و اسکار از بین رفت، در اینجا توهمی به وجود می آید و آن این است که گفته می شود که از یک سو ملاک حرمت از بین رفت حکم تابع ملاک خودش است. از سوی دیگر هم بعضی از نصوصی داریم که دلالت دارند بر اینکه اگر سکر برود خمر پاک می شود. روایت معتبره عمر بن حنظله قال قلت لابی عبدالله سند معتبر است شیخ کلینی قدس الله نفسه الزکیه محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد که اینها از مشایخ کلینی هستند و شناخته شده از اعلام و اجله. و عن عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد که «الامر فی سهل سهل» جمیعاً عن علی بن الحکم که توثیق خاص دارد، عن ابی المغراء که توثیق دارد عن عمر بن حنظله که توثیق عملی دارد، روایت می شود در حد مقبوله. «قال قلت لابی عبدالله علیه السلام ما تری فی قدح من مسکر یصبّ علیه الماء حتی تذهب عاديته و یذهب سکره فقال لا والله» اینجا سوال شده است که گویا توهّم می شود که اگر اذهاب سکر بشود در این صورت باید تطهیر به عمل بیاید و باید حرمت از بین برود آقا فرمود «لا والله» خیر هرگز، به اذهاب سکر حرمت از بین نمی رود «لا والله و لا قطرت فی حبّ الا هریق ذاک الحبّ»، [3] در یک بشکه ای اگر یک قطره از این مسکر بریزد باید همه اش را دور ریخت و قابلیت تطهیر وجود ندارد. اذهاب سکر فائده ندارد. این را در جواب سوال فرمود که ذهن سائل این بود که «ما تری فی قدح من مسکر یذهب سکره». این حدیث اگر تا اینجا بود مشکلی نداشتیم ولی حدیث دیگری داریم که آن حدیث سندش صحیح است، صحیح علی بن جعفر از امام موسی بن جعفر علیه السلام «قال سألته عن الخمر یكون اوله خمرا ثم یصیر خلّاً قال اذا ذهب سکره فلا بأس» [4]. این است که در متن آورده اند که اذهاب سکر اشکال ندارد. که ریشه اشکال این بود که ملاک حکم است و نصی داریم که اذهاب سکر کافی است. متن می فرماید: اذهاب سکر باعث تطهیر نمی شود و حرمت به قوت خود باقی است، دلیل ما همسان با آن دلیل قبلی است که گفتیم خمر که بدل بشود به خلّ نص داریم این تطهیر اصلش خلاف قاعده است، براساس نصوص مطهریت خلّ می گوییم خمر اگر خلّ بشود پاک است، نصوص در همین حد است. اما بیشتر از این که بگوییم ازاله سکر بشود پاک خواهد شد، نیاز به دلیل داریم. دلیل نداریم. نصی که آوردیم به ظاهر این دو نص اگر اکتفاء کنیم. اولاً ممکن است بگوییم که نص دوم معمول به نیست و نص اول معمول به است، پس ترجیح دارد که اذهاب سکر باعث رفع حرمت و نجاست نمی شود. اولاً مرجح داریم اگر هم مرجح نداشتیم هر دو نص با هم تعارض می کند و تساقط می کند. بعد از که هر دو نص تساقط کرد که یکی گفت به وسیله اذهاب سکر حرمت رفع نمی شود دیگری گفت اگر سکر ازاله شده لا بأس، دو تا که با هم تعارض داشتند تساقط بکنند دلیل بر تطهیر نداریم، استصحاب هم است. فتوای مشهور را اگر اجماع نگوییم اضافه کنید. بعد از که خمر گفتیم به وسیله ازاله سکر حرمتش از بین نرفت چون خمر خلّ نشده فقط ازاله سکر، دلیل نداریم، دلیل که نداشتیم نجاست به قوت خود باقی است. و استصحاب هم اگر شک بکنید شک هم ممکن است شک عقلایی نباشد و شک عقلی باشد که از اساس اعتبار ندارد، شک عقلایی نبود اولاً اعتبار ندارد و ثانیاً بر فرض هم شک بکنید استصحاب نجاست جاری می شود و حکم اعلام می شود به حرمت و نجاست. با یک استصحاب دو تا حکم

اثبات بشود هیچ مشکلی ندارد. مشکل ما این است که مستصحب اثر شرعی نداشته باشد ولی اثر شرعی متعدد داشته باشد اشکال ندارد. یک استصحاب دو تا حکم را ثابت می کند هم حرمت که قبلاً بود و هم نجاستی که قبلاً داشتیم. این مطلب تا اینجا کامل شد.

سوال: ترجیح سندی با صحیح است، چون روایت اولی مقبوله بود. پاسخ: اگر مقبوله شد، مقبوله یک اعتبار زائدی دارد. یعنی مورد عمل اصحاب در عین حال که سند درست است مورد عمل اصحاب است در حقیقت می توانیم بگوییم که هم پای صحیح قرار می گیرد. پس فتوا همین که در متن این است.

کلام سید الخویی

اما سیدنا الاستاد این مسئله را شرح داده می گوید این مسئله در حقیقت دو تا مسئله است. یک مسئله اش مربوط می شود به مطهریت انقلاب اطلاقاً، ما گفتیم انقلاب از مطهرات نیست به شکل عام، سیدنا می گوید انقلاب به شکل عام از مطهرات است. این یک مسئله، مسئله دوشم این است که صبّ مایع دیگر بر خمر و تبدیل آن به شئ سوم چه حکمی دارد که باید بحث کنیم. بنده تا الان این متن را با آنچه علی الظاهر نظر شریف سید یزدی طباطبایی بود برای شما گفتیم طبق نصوص و ادله که چرا «یزیل سکره» را آورده است و چرا این فتوا را داده، دلیلش را گفتیم، عدم دلیل بر طهارت و استصحاب و اختصاص دلیل انقلاب به تبدل خمر به خلّ. اما سیدنا شرح می دهد که شرحش را بعداً.

سوال:

پاسخ: ملاک در احکام تکلیفیه قابل کشف نیست، بلکه قابل تصدیق نیست. از طریق امر علم به وجود ملاک حاصل می شود نه تشخیص ملاک، در احکام وضعیه طهارت و نجاست، حرمت و حلیت وضعی ملاک قابل کشف است مخصوصاً جاهایی که احیاناً اشاره به ملاک آمده اسکار از مواردی است که اشاره به ملاکیت آن شده.

سوال:

پاسخ: خمر از موادی گرفته می شود که قند داشته باشد و از خوک و گراز و اینها گرفته نمی شود، این خمیری است که در این دسته خمر موجود است و خموری که در اسلام بوده. گفته می شود یک خموری است که از حیوانات نجس را جمع می کند و مدتی می گذارند یک ترکیبی می شود به نام خمر. اولاً یک ترکیبی است معلوم است چه باشد. از لحاظ علمی خمر نیست. و ثانیاً اسم خمر روی آن برده می شود و ثالثاً ممکن است یک موارد مسکری باشد که یک نوع اسکاری بکند مثل حشیش، که حشیش یک مقدار اسکار دارد. اینها ممکن است آدم را گیج و منگ می کند و یک نوع اسکاری است، ممکن است از این قبیل باشد که حالتی می آورد برای انسان و اسمش را گذاشتند خمر. بنابراین خمر بودن آن قطعاً ثابت نیست، و ثانیاً در مرحله خمر است و خلّ فعلاً در قلمرو بحث نیست. این خمر خلّ نمی شود تا بحث کنیم. و ثالثاً طبق قاعده نجس العین با نجس عارضی که عارضی باشد و اما اگر ذاتی

باشد نجس العین باشد قطعاً به وسیله خمر شدن و آنگاه خلّ شدن تطهیر به عمل نمی آید، قطعاً و جزماً در این مسئله هیچ شبهه و اشکالی وجود ندارد. مضافاً بر اینکه مصداق انقلاب هم قرار نمی گیرد شک در مصداقیت انقلاب می کنیم که خودش شکی است و این خمر جزء خمر معمول نیست مضافاً بر اینکه نجس العین که قطعی بوده است برای تطهیر نجس العین به وسیله تغییر عنوان هیچ دلیلی نداریم و مضافاً بر اینکه احتیاط و استصحاب و اینها که به قوت خود باقی است. رأی و نظر سیدنا الاستاد که این مسئله را می فرماید در حقیقت متشکل از دو مسئله است.

سوال:

پاسخ: استحاله غیر از انقلاب است، مثل سگی که در معدن نمک بیافتد، آنجا استحاله می شود اینجا انقلاب است. انقلاب را گفتیم به عنوان یک مطهر مستقل نیست سیدنا می گوید عنوانش یک مطهر مستقل است، ان شاء الله جلسه فردا.

[1] مستمسک العروه الوثقی، سید محسن حکیم، ج 2، ص 100.

[2] جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج 6، ص 290.

[3] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 272، ابواب اشربه محرمة، ب 18، ح 1، ط اسلامیة.

[4] وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 17، ص 297، ابواب اشربه محرمة، ب 31، ح 9، ط اسلامیة.